

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

«اشتباه اسلام آباد» باید اصلاح شود

روزنامه «نوبنیاد» در گفت‌وگویی با فؤاد ایزدی، کارشناس مسائل آمریکا، به بررسی ابعاد محاصره دریایی آمریکا علیه ایران پرداخته است؛ زمانی که ایران وارد مسیر مذاکرات شد، دولت ترامپ با مجموعه‌ای از مشکلات و فشارها مواجه بود. قیمت‌ها افزایش یافته بود، آمریکا تحت فشار اقتصادی و سیاسی قرار داشت و این پرسش در داخل و خارج از این کشور مطرح بود که چرا ترامپ به ایران حمله کرده، در حالی که به اهداف اصلی خود دست نیافته است. در چنین شرایطی، تفاهم اسلام‌آباد برای دولت آمریکا یک فضای تنفسی ایجاد کرد. برای تثبیت این فضا نیز وعده‌هایی روی کاغذ مطرح شد؛ از جمله ادعای سرمایه‌گذاری حدود ۳۰۰ میلیارد دلاری در ایران. اما واقعیت این بود که بخش‌هایی از این وعده‌ها اساساً قرار نبود از سوی طرف آمریکایی اجرا شود. این وعده‌ها بیشتر به عنوان کاغذ پاره‌ای بود تا طرف ایرانی بتواند توافق را توجیه کند و مقام مذاکره‌کننده نیز توضیحی برای بازگشت خود داشته باشد.

۷



محاسبات دشمن بر اساس مواضع و اظهارات مقامات ایرانی تنظیم می‌شود

ضعیف‌نمایی مقدمه جنگ

یکی از مهم‌ترین محورهای اعتراض منتقدان به جریان توافق و سازش، ایراد مواضع غیراصولی و توأم با پالس ضعیفی است که منجر به تشدید فشارهای اقتصادی آمریکا بر کشور می‌شود؛ چراکه جبهه آمریکایی صهیونیستی محاسبات و سیاست‌های خود را بر اساس اظهارات یا مواضع قوی یا ضعیف مقامات کشورمان تنظیم می‌کند. موضوعی که در رویکرد اخیر رئیس جمهور دولت تروریستی آمریکا در سواستفاده و بهره‌برداری از این اظهارات از ابتدای جنگ ۴۰ روزه تاکنون مشاهده می‌شود.

۲



ثابتی، نماینده مجلس شورای اسلامی؛

برخی کلمه وحدت را به یک دکان سیاسی تبدیل کرده‌اند

۲

سینمای زیرزمینی؛

وقتی حذف نظارت مسئله را حل نمی‌کند

۸



ابهام‌زدایی از قانون «مقابله با نفوذ»

حمزه خسروی
پژوهشگر حقوق عمومی

تصویب کلیات طرح «مقابله با نفوذ بیگانگان» در صحن مجلس، واکنش‌های متعددی را در محافل حقوقی، دانشگاهی و صنفی برانگیخته است. بخش قابل توجهی از این نقدها، به‌رغم دغدغه‌های قابل احترام، بر پایه نسخه اولیه طرح (تیر ۱۴۰۴) صورت گرفته و با متن نهایی مصوب کمیسیون امنیت ملی (اسفند ۱۴۰۴) فاصله معناداری دارد.

متن کامل در صفحه ۳

صفحه ۳

سیاسی



قالیباف: آمریکا را دوباره گرسنه می‌کنیم

رئیس مجلس شورای اسلامی در توییتی بر اساس گزارش‌های رسمی نهادهای بین‌المللی و معتبر آمریکایی از گرسنگی مردم و بحران واقعی جامعه آمریکا، شعار انتخاباتی دونالد ترامپ را به تمسخر گرفت.

صفحه ۴

اقتصادی



جهش ۲۴۲ درصدی نرخ دلار در دولت بی‌برنامه

جهش ۱۰ درصدی نرخ ارز در تنها چهار روز کاری، بار دیگر بحث درباره کارنامه سیاست ارزی دولت چهاردهم و بانک مرکزی را به صدر آورده است. از آغاز فعالیت این دولت تا کنون نرخ دلار جهش ۲۴۲ درصدی را تجربه کرده است.

محاسبات دشمن بر اساس مواضع و اظهارات مقامات ایرانی تنظیم می‌شود

ضعیف‌نمایی، مقدمه جنگ

قوی یا ضعیف مقامات کشورمان تنظیم می‌کند. موضوعی که در رویکرد اخیر رئیس‌جمهور دولت تروریستی آمریکا در سواستفاده و بهره‌برداری از اظهارات قالیباف و پزشکشان از ابتدای جنگ ۴۰ روزه تاکنون مشاهده می‌شود.

یکی از مهم‌ترین محورهای اعتراض منتقدان به جریان وفاق و سازش، ایراد مواضع غیراصولی و توأم با پالس ضعیفی است که منجر به تشدید فشارهای اقتصادی آمریکا بر کشور می‌شود؛ چرا که جبهه آمریکایی-صهیونیستی محاسبات و سیاست‌های خود را بر اساس اظهارات یا مواضع



امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

به عبارت روشن تر خط ضعیفی که برخی مقامات بویژه قالیباف و پزشکشان تاکنون دنبال کرده‌اند، حاوی دوکمک راهبردی به ترامپ و متقابلاً سواستفاده او بوده است. از یک سو باعث تأیید ادعای او مبنی بر پیروزی در جنگ و در نتیجه مهار منتقدان داخلی آمریکا است و از سوی دیگر منجر به عدم اصلاح خطای محاسباتی او در قبال تاب‌آوری و قدرت سرمایه اجتماعی ایران می‌باشد. پیش از این نیز در اواسط جنگ ۴۰ روزه، مسعود پزشکشان با اتخاذ موضع نامیدکننده «عذرخواهی از همسایگان» مورد سوژه و سواستفاده ترامپ جهت تشدید فشار و تثبیت موضع برتر آمریکا واقع شده بود. رئیس‌جمهور دولت تروریستی آمریکا طی توییتی در واکنش به پالس ضعیف پزشکشان مدعی شده بود: «ایران که در حال شکست خوردن شدید است، از همسایگان خاورمیانه‌ای خود عذرخواهی کرده و تسلیم شده است و قول داده که دیگر به سوی آنها شلیک نکند. این وعده فقط به خاطر حملات بی‌وقفه آمریکا و اسرائیل داده شد.» البته پالس ضعیف‌هایی که پزشکشان و قالیباف تاکنون به خارج از کشور مخابره کرده‌اند، بیش از این موارد است از جمله: «پول نداریم»، «نمی‌توانیم نفت بفروشیم»، «اگر بسازیم دوباره می‌زنند»، «دشمن تمام راه‌ها را بسته است»، «با دولت‌های مسلمان در حال گفتگویم تا با ما معامله نکنند»، «بهتر است امروز جنگ را پایان دهیم» و...

محاسباتی بر اساس اظهارات و مواضع مقامات ارشد کشورمان پی‌ریزی می‌شود و در واقع اعتراض منتقدان، پالس ضعیف‌هایی است که دشمن را مصمم به ادامه جنگ و تشدید فشار اقتصادی با هدف تسلیم مطلق شدن ایران می‌کند. به عبارت دیگر اظهارات اخیر و پیشین روسای قوای مجریه و مقتنه در رسانه‌ها که با پالس‌هایی از ضعف همراه بود، عملاً بستر را برای تشدید فشارهای خارجی بر کشور هموار ساخت. در این میان، روز گذشته با بازنشر سخنان قالیباف توسط ترامپ با مضمون «ما گرسنه هستیم و توان ایستادگی نداریم» تأییدی معنادار بر روایت او برای افکار عمومی آمریکا تلقی شد؛ روایتی که بر پایه آن، واشنگتن در تقابل با ایران پیروز میدان است. قالیباف در سفر اخیر خود به عراق گفته بود: «هرچقدر قدرت نظامی داشته باشیم، اما اگر مردم گرسنه باشند و گردش مالی نداشته باشیم، دوام نمی‌آوریم» ترامپ که همواره از استحکام و تاب‌آوری بالای سرمایه اجتماعی ایران به حیرت و خشم واداشته می‌شد، اکنون با بهره‌گیری از همین نقاط ضعف که از درون کشور به بیرون مخابره می‌شود، در صدد توجیه تداوم جنگ غیرقانونی خود و خنثی‌سازی انتقادات داخلی آمریکا برآمده است و با استفاده از همین موضوع به سیاست تشدید فشار و تسلیم‌خواهی مطلق کشور با مهار افکار عمومی معترض آمریکایی ادامه می‌دهد.

از زمان آغاز جنگ تحمیلی سوم و تجاوز ارتش تروریستی آمریکا به کشورمان، مقامات ارشد آمریکایی با تصور پیروزی در مدت کوتاه وارد جنگ تحمیلی سوم شدند، اما اینک با گذشت بیش از ۵ ماه ناکامی در اهداف، رسوایی بزرگی برای رئیس‌جمهور آمریکا و ارتش تروریستی این کشور به وجود آمده؛ بطوری که حساب ویژه‌ای روی تشدید فشار اقتصادی و کاهش تاب‌آوری مردم کشورمان باز شده است.

ناکامی‌ای که طی ماه‌های اخیر همواره مورد سوژه رسانه‌های غربی و تحلیلگران برجسته حوزه بین‌الملل قرار داشته و منجر به افزایش انتقادات گسترده به ترامپ شده است. با این حال و در شرایطی که موضع دیپلماسی و اظهارنظرات مقامات ارشد کشور باید آمیخته با رجزخوانی و عملیات رسانه‌ای متقابل با دشمن باشد و موجبات تشدید فشار به آن را فراهم آورد، متأسفانه بالعکس این مهم محقق می‌شود. موضوعی که شاید در واقع مهم‌ترین نقد اصلی و اساسی منتقدان به جریان سازش و مبتلا به خطای محاسباتی ضد علی‌الاصول باشد، که برخی مسئولان با اظهارات و مواضع توأم با ضعف خود اتفاقاً منجر به تشدید فشارهای اقتصادی آمریکا و ادامه جنگ تحمیلی خواهند شد. چرا که در دستگاه فکری جبهه آمریکایی-صهیونیستی، مبنای تنظیم رویکرد

خبر کوتاه

مخبر: با تمام وجود انتقام خون امام شهید را خواهیم گرفت

محمد مخبر مشاور و دستیار رهبر معظم انقلاب مطرح کرد: همه دلسوان نظام، همه مسئولان نظام و همه جریان‌های سیاسی که در نظام وجود دارند، در احقاق حق منافع کشور هیچ اختلافی ندارند و بعضی از این حرف‌هایی که زده می‌شود، حرف‌های خیلی موثر و ریشه داری نیست.

مشاور و دستیار رهبر معظم انقلاب همچنین با اشاره به انتقام خون امام تأکید کرد: با تمام وجود انتقام خون امام و شهدا را خواهیم گرفت. وی درباره تنگه هرمز نیز تصریح کرد: تنگه هم همیشه ایرانی خواهد بود.

سردار حسن زاده: رزمایش ۳۱۳ هزار نفری جانفدا برگزار می‌شود

همایش مشترک فرماندهان انتظامی و سپاه تهران بزرگ با هدف ارتقای عملکرد مأموریت‌های محوله در پایتخت، با حضور سردار جمشیدیان معاون امنیتی وزیر کشور، سردار نجات جانشین قرارگاه ثارالله فرمانده سپاه محمد رسول‌الله(ص) و فرمانده انتظامی تهران بزرگ برگزار شد. سردار حسن زاده، فرمانده سپاه تهران بزرگ در این همایش گفت: هرگونه اقدامی که بخواهد اقتدار و انسجام ملی و وحدت و یکپارچگی ملت شریف ایران را خدشه دار نماید یا در مسیر کمک به اهداف دشمنان باشد یا موجب تحریک و تشدید مشکلات در لایه‌های مختلف جامعه گردد، مورد رصد، پیگیری و کنترل مسئولین ذیربط قرار گرفته و به شدت برخورد خواهد شد.

وی افزود: برگزاری رزمایش بزرگ ۳۱۳ هزار نفری مردمی تحت عنوان «جانفدا» که در آینده‌ای نزدیک و با مشارکت نیروهای مردمی برگزار می‌شود، نمادی دیگر از هم‌افزایی بی‌ظنیر بین سپاه و ناجا در جهت ارتقای امنیت پایدار و مقابله با تهدیدات احتمالی است.

خلجی: تربیون ترامپ را خاموش کنید!

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم در واکنش به پالس ضعیف متعدد برخی از مقامات به آمریکا در حساب کاربری خود نوشت: برای توقف تهدید ترامپ باید تربیون‌های رسمی ترامپ در داخل خاموش شود. مادامی که تربیون ترامپ در داخل باز است امکان عقب‌راندن آمریکا وجود ندارد. هر تربیونی که از توان کشور ضعیف‌نمایی کند، هر تربیونی که مردم را ناامید کند، هر تربیونی که به دشمن امید دهد تربیون ترامپ است چه بداند چه نداند.

واکنش بهادری جهرمی به هجمه‌ها علیه محسن رضایی

سخنگوی دولت شهید رئیسی در واکنش به هجمه اخیر جریان وفاق به سرلشکر رضایی در حساب کاربری خود نوشت: کسانی که تا دیروز مدعی بودند دبیر شمعام با مصوبه خود می‌تواند جلوی قانون قطعی مصوب مجلس را بگیرد، امروز صد و هشتاد درجه تغییر جهت دادند! دوستان و خواسته‌های خود را معیار حق، ساختار و قانون قرار ندهید تا اینگونه دچار تعارض نشوید!

زارع‌پور: به جای خالی کردن دل مردم؛ مجلس نیمه تعطیل را احیا کنید

وزیر ارتباطات دولت شهید رئیسی در واکنش به توییت ترامپ و پالس ضعیف قالیباف به آمریکا در صفحه شخصی خود نوشت: آقای قالیباف! تحویل بگیرید. شما بهتر می‌دانید که آنهایی که پای این انقلاب ایستاده‌اند حاضرند همه وجودشان را برای عزت و سربلندی ایران اسلامی تقدیم کنند. به جای خالی کردن دل مردم؛ مجلس نیمه تعطیل را احیا کنید و مقصرین وضع موجود را بازخواست کنید.

میدان

ثابتی: برخی کلمه وحدت را به یک دکان سیاسی تبدیل کرده‌اند

امیرحسین ثابتی نماینده تهران در مجلس با حضور در تجمع مردم در میدان خراسان با اشاره به اهمیت تجمعات شبانه گفت: این حضور گسترده و مستمر باعث "بسط ید" ولی فقیه شده و اگر شما مردم هوشیار نبودید، بعضی از مسئولان با خطای محاسباتی تصمیمات غلط خودشان مانند باز شدن تنگه هرمز را بر رهبری تحمیل کرده بودند.

وی سپس با انتقاد از "کاسبان وحدت" گفت: برخی کلمه وحدت را به یک دکان سیاسی تبدیل کرده‌اند و دائم از آن حرف می‌زنند تا رقبای خود را به حاشیه برانند ولی در عمل تفرقه افکنانه‌ترین مواضع و اقدامات را دارند، مثلاً هنوز برخلاف نظر رهبرانقلاب از توافق پرضرر با آمریکا دفاع می‌کنند یا بلافاصله پس از اینکه می‌گویند باید

وحدت رعایت شود، به صداسیما حمله می‌کنند. به گفته ثابتی، شهید ریسی‌وی به معنای واقعی کلمه به وحدت اعتقاد داشت و زمانی که بعضی به ظاهر خودی‌ها در مجلس، دولت ایشان را تحت شدیدترین فشارها قرار داده بودند ایشان نزد رهبر شهید انقلاب رفت و گلایه کرد اما رهبرانقلاب به ایشان فرموده بودند حق با شماست ولی پاسخی به این افراد ندهید و ایشان هم تا لحظه شهادت به این مساله عمل کرد و هیچ حرفی در این باره مطرح نکرد چون کاسب وحدت نبود، بلکه به این مساله اعتقاد قلبی و التزام عملی داشت.



اعتراض بیش از ۱۰۰ نماینده به رئیس مجلس



جمع قابل توجهی از نمایندگان برای بازگشت جلسات علنی مجلس، کمیسیون‌ها و دفاتر مراجعات نمایندگان به روال عادی و شرایط پیش از جنگ رمضان نامه‌ای اعتراضی به

قالیباف و اعضای هیات رئیسه مجلس را امضا کردند.

در بخش‌هایی از این نامه آمده است: صحن علنی مجلس شورای اسلامی از پیش از شروع جنگ رمضان تاکنون به مدت بیش از پنج ماه تعطیل بوده است و صرفاً یک جلسه کوتاه برای اصلاح ماده یک قانون آیین نامه داخلی، تشکیل گردیده است و پس از آن نیز مجلس شورای اسلامی صرفاً چند جلسه غیر حضوری و بصورت وبیناری برگزار کرده است. خود حضرات هیئت رئیسه و سایر همکاران استحضار و اذعان دارند که جلسات غیر حضوری، مطلقاً نقش و تأثیر و کارکرد لازم را در مقایسه با جلسات حضوری نداشته و نه تنها شیرازه و انسجام و هماهنگی امور مجلس و نمایندگان بهم ریخته است، بلکه

ارتباطات حضوری نمایندگان قطع شده است امکان تبادل نظر و زمینه مشاوره و همفکری نمایندگان ملت در حین مذاکرات، رأی گیری و تصویب قوانین و ایفای نقش نظارتی از بین رفته است. با تعطیلی کمیسیون‌ها و ممنوع شدن مراجعات مردمی و مسئولین ذیربط دولتی و سایر دستگاه‌ها به دفتر نمایندگان در مجلس شورای اسلامی، بسیاری از فعالیت‌ها و ارتباطات نمایندگان از بین رفته و همین امر باعث اختلال در انجام وظایف نظارتی نمایندگان و عدم توفیق در پیگیری حل مشکلات مردم و جامعه گردیده است. در این نامه همچنین تأکید شده است که در حال حاضر هیچ دلیلی بر اضطرابی بودن شرایط و عدم برگزاری جلسات علنی و رسمی مجلس به صورت عادی وجود ندارد.

((نوبیاد)) برخی از ایرادات مطرح شده به طرح ((مقابله با نفوذ بیگانگان)) را بررسی کرد؛

ابهام‌زدایی از قانون «مقابله با نفوذ»

حمزه خسروی

پژوهشگر حقوق عمومی

ماده ۳۱ تصریح می‌کند مجازات مرتکبان جرائم این قانون تنها در صورت احراز «علم به موضوع جرم یا ارتباط، حمایت، راهبری یا هدایت کارگزار بیگانه» امکان پذیر است. این ضابطه، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری و اصل برائت را محترم شمرده و از مجازات افراد بی اطلاع یا بی تقصیر جلوگیری می‌کند.

سوم؛ تأیید ضمنی و رفع نگرانی از انسداد اداری

یکی از ابتکارات مهم قانون، پیش‌بینی «اصل تأیید ضمنی» در ماده ۶ است. بر این اساس، اگر دستگاه‌های ذیربط ظرف هفت روز کاری به درخواست ثبت شده پاسخی ندهند، درخواست «تأیید شده» تلقی می‌شود.

این سازوکار عملاً مانع معطلی اساتید، پژوهشگران و فعالان اقتصادی می‌شود و از ایجاد «امضای طلایی» و انسداد اداری جلوگیری می‌کند. نکته دیگر در بخش قابل توجهی از فعالیتها، نیازمند ثبت سرفصل و امثال آن نیست؛ چراکه این فعالیت‌ها با دولت‌هایی انجام می‌شود که در سطوح یک و دو قرار نمی‌گیرند و از جنس دولت‌های خاص هستند. در عین حال، اگر قرار باشد با سطوح یک و دو فعالیت شود، صرفاً در چارچوب فعالیت‌های خاصی، ثبت انجام می‌پذیرد و حجم این موارد به گونه‌ای نیست که بتوان گفت نظام اداری دستخوش تغییر یا پیچیدگی میشود.

چهارم؛ معافیت‌های گسترده برای امور عادی و زندگی روزمره

ماده ۴ و تبصره‌های آن، فعالیت‌های عادی اشخاص ایرانی، معاملات تا سقف نصاب معاملات کوچک، مذاکرات اولیه و تعاملات پیش‌قراردادی را صریحاً از ثبت در سامانه معاف کرده است. تبصره ۴ نیز تعیین مصادیق امور عادی و روزمره را به دستورالعملی واگذار کرده که با همکاری وزارت امور خارجه تهیه می‌شود. این رویکرد نشان می‌دهد قانون‌گذار به دنبال «شفافیت در فعالیت‌های پرمخاطره» است، نه تحدید زندگی عادی شهروندان. تمایز میان «فعالیت» و «امور



عادی» در مواد ۲ و ۴، پاسخی روشن به نگرانی‌های صنفی خانه‌سینما و مجامع دانشگاهی است. نکته قابل ذکر دیگر، ناظر بر نگرانی‌های مطرح شده از سوی برخی هنرمندان است. در این زمینه باید گفت که اساساً موضوع حکم یادشده، مطوف به سینماگر به معنای واقعی کلمه نبوده؛ بلکه منظور جاسوسی است که با سرویس‌های بیگانه همکاری دارد.

پنجم؛ حمایت از آزادی بیان و فعالیت حرفه‌ای رسانه‌ها

برخلاف تصور برخی منتقدان، ماده ۲۲ صرفاً مصاحبه و گفتگو با رسانه‌هایی را مشمول مجازات می‌داند که از سوی وزارت اطلاعات «معاند» اعلام عمومی شده یا تحت مالکیت یا بودجه دولت‌های سطح یک و دو قرار دارند. این ماده، روزنامه‌نگاری مستقل را هدف نگرفته، بلکه به دنبال شفافیت مالی و جلوگیری از مهندسی افکار عمومی توسط سرویس‌های اطلاعاتی خارجی است. در نهایت باید گفت که طبعاً هیچ قانونی بی نقص نیست و نقد عالمانه، به‌ویژه در مرحله تصویب جزئیات، می‌تواند به پختگی بیشتر آن بینجامد. اما انصاف حقوقی اقتضا می‌کند نقدها برپایه مستندات مکتوب بر پایه متن نهایی صورت گیرد نه جوسازی‌های مجازی.

خبر کوتاه

قالیباف شعار انتخاباتی ترامپ را به تمسخر گرفت: آمریکا را دوباره گرسنه می‌کنیم

رئیس مجلس شورای اسلامی با تمسخر شعار انتخاباتی ترامپ نوشت آمریکا را دوباره گرسنه می‌کنیم! (Make America Hungry Again) و با انتشار تصویری، آمارهایی را براساس گزارش‌های رسمی نهادهای بین‌المللی و معتبر آمریکایی از گرسنگی مردم آمریکا منتشر کرد و بحران واقعی جامعه آمریکا را به نمایش گذاشت:

۴۷ میلیون نفر درگیر گرسنگی و ناامنی غذایی در سراسر آمریکا. از هر ۸ شهروند آمریکایی، ۱ نفر شب‌ها با سفره خالی سر بر بالین می‌گذارد. ۱۶ میلیون کودک آمریکایی قربانی فقر سازمان‌یافته و بحران معیشت شده‌اند و در تمام شهرهای آمریکا گرسنگی یک مسئله است. قالیباف در بخشی از این تصویر خطاب به ترامپ نوشت این عده‌ها مثل بلوف‌ها و فیک‌نیوزهای تو جعلی نیستند و تو نمی‌توانی شکست‌های خودت در مقابل ایران را بادروغ، جبران کنی!

سردار رادان: دشمن به دنبال ایجاد آشوب در کشور است

فرمانده کل انتظامی کشور گفت: جنگ سوم هنوز تمام نشده و باید با حفظ آمادگی کامل، از دشمن غافل نشویم؛ دشمن از ما دست برنداشته و جایی از ما دست برمی‌دارد که ما دست برتر داشته باشیم. وی افزود: دشمن به دنبال ایجاد آشوب در جایی از کشور یا تمام کشور است و بهانه‌ها از جمله در حوزه معیشتی، بنزین، اقتصاد و بیکاری زیاد است.

زینی‌وند: آماده برگزاری انتخابات به صورت تمام‌الکترونیک هستیم

معاون سیاسی وزیر کشور با اشاره به آمادگی وزارت کشور برای برگزاری انتخابات تمام‌الکترونیک شوراها اظهار کرد: اگر انتخابات شوراها حتی یک ماه دیگر برگزار شود، وزارت کشور آمادگی دارد انتخابات را در حدود ۷۰ هزار شعبه شهری و روستایی کشور به صورت تمام‌الکترونیک برگزار کند. وی افزود: در این شیوه، هم احراز هویت، هم اخذ رأی و هم شمارش آرا به صورت تمام‌الکترونیک انجام خواهد شد و انتخابات تناسبی نیز در تهران اجرا می‌شود.

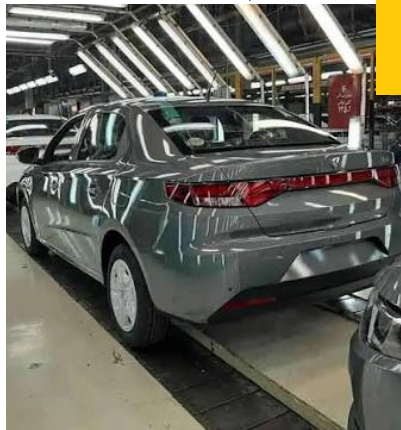
شعاع این هفته درباره زمان برگزاری انتخابات تصمیم‌گیری می‌کند

نایب رئیس هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها از پیشنهاد برگزاری انتخابات شوراها اسلامی شهر و روستا در ۲۴ مهرماه خبرداد و گفت: این پیشنهاد به شورای عالی امنیت ملی ارسال شده و به احتمال زیاد، تصمیم نهایی درباره زمان برگزاری انتخابات در هفته جاری اعلام خواهد شد؛ تصمیمی که پس از آن باید به تأیید مقام معظم رهبری برسد.

شهادت بسیجی اهل سنت در شیرآباد زاهدان

نادر سارانی سخی، بسیجی اهل سنت، روز شنبه یک شهریور در منطقه شیرآباد زاهدان در پی حمله افراد مسلح به شهادت رسید.

مردم نباید تاوان نوسانات قیمت خودرو را بدهند



ابطال مصوبه ۴۷۳ شورای رقابت از سوی دیوان عدالت اداری، بار دیگر موضوع نحوه تعیین قیمت خودروهای پیش فروشی و حقوق خریداران را به کانون توجه آورده است. در این میان، تأکید بر اجرای رأی دیوان، نباید به نادیده گرفتن حقوق مصرف‌کنندگان و افزایش یک‌طرفه ریسک‌های قیمتی منجر شود. ایجاد سازوکاری شفاف و عادلانه، ضرورتی جدی است. عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، در واکنش به ابطال مصوبه ۴۷۳ شورای رقابت از سوی دیوان عدالت اداری، گفت: رأی دیوان عدالت اداری لازم‌الاجراست و باید به آن تمکین کرد، اما این رأی نباید به معنای نادیده گرفتن حقوق و منافع مصرف‌کنندگان باشد. اردوان اکبریور ادامه داد: مصوبه ۴۷۳ با این رویکرد شکل گرفته بود که در قرارداد های پیش فروش، بخشی از مبلغی که خریدار در زمان ثبت‌نام پرداخت می‌کند،

از افزایش قیمت‌های بعدی مصون بماند. با ابطال این مصوبه، ریسک افزایش قیمت تا زمان تحویل خودرو عملاً بیشتر متوجه مصرف‌کننده خواهد شد و این مسئله می‌تواند فشار مضاعفی بر خانوارها وارد کند. وی با بیان اینکه پیش فروش خودرو نباید به ابزاری برای انتقال ریسک تولیدکننده به خریدار تبدیل شود، تصریح کرد: وقتی مردم ماه‌ها یا حتی مدت طولانی‌تری پیش از تحویل خودرو، بخشی از سرمایه خود را در اختیار خودروساز قرار می‌دهند، باید در مقابل، از حقوق مشخص و قابل پیش‌بینی برخوردار باشند. نمی‌توان از یک طرف از مردم خواست برای خرید خودرو پیش پرداخت کنند و از طرف دیگر، تمام ریسک نوسانات قیمت را هنگام تحویل بر عهده آن‌ها گذاشت. اکبریور تأکید کرد: مجلس باید این موضوع را با جدیت بررسی کند و در صورت وجود خلأ قانونی،

برای ایجاد یک سازوکار شفاف و عادلانه ورود کند؛ به گونه‌ای که هم حقوق قانونی خودروسازان رعایت شود و هم مصرف‌کننده در برابر افزایش های غیرقابل پیش‌بینی قیمت بی‌دفاع نماند. وی اظهار کرد: بازار خودرو بیش از هر چیز به شفافیت، رقابت واقعی و قرارداد های روشن نیاز دارد. مردم باید پیش از پرداخت وجه بدانند در روز تحویل، دقیقاً با چه سازوکاری قیمت خودرو تعیین خواهد شد. عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی خاطر نشان کرد: هدف ما حمایت از مصرف‌کننده در کنار حفظ تولید است و هر تصمیمی که در حوزه خودرو اتخاذ می‌شود، باید به کاهش رانت، افزایش رقابت، ارتقای کیفیت و در نهایت حفظ قدرت خرید مردم منجر شود؛ نه اینکه هزینه ناکارآمدی‌ها و نوسانات بازار، یک طرفه بر دوش مصرف‌کننده قرار گیرد.

آقای همتی، دلار ۲۰۲ هزار تومانی حاصل جنگ است یا سیاست ارزی؟

جهش ۲۴۲ درصدی نرخ دلار در دولت بی‌برنامه

دلار در بازار آزاد از مرز تاریخی ۲۰۰ هزار تومان عبور کرد؛ اما مسئله فقط شکسته شدن یک سقف قیمتی نیست. جهش ۱۰ درصدی نرخ ارز در تنها چهار روز کاری، بار دیگر بحث درباره کارنامه سیاست ارزی دولت چهاردهم و بانک مرکزی را به صدر آورده است. از آغاز فعالیت این دولت تا کنون نرخ دلار جهش ۲۴۲ درصدی را تجربه کرده است. اکنون میان آنچه مردم در بازار ارز مشاهده می‌کنند و آنچه از سوی مسئولان درباره موفقیت سیاست‌های پولی مطرح می‌شود، شکافی جدی شکل گرفته؛ شکافی که نمی‌توان آن را صرفاً با تحریم، جنگ یا نوسان های موقت توضیح داد.



هادی هدایت زاده
روزنامه نگار

دولتی و همسو با دولت، اما تصویر دیگری پیش روی افکار عمومی می‌گذارد. در شرایط جنگی کنونی، تکرار مکرر و پررنگ مشکلات اقتصادی، بدون ارائه تصویری روشن از مسیر حل آن‌ها، لزوماً به معنای صداقت با مردم نیست و می‌تواند به ایجاد ترس و یأس در جامعه و ارسال سیگنال ضعف به دشمن منجر شود. مردم از مسئولان انتظار ذکر مصیبت ندارند؛ وظیفه آنها، حل مسائل و ارائه راه حل است. البته میان «صادق بودن» و «ایه یأس خواندن» تفاوتی اساسی وجود دارد. بیان صادقانه مشکلات باید با تشریح راهکارها و ترسیم چشم‌اندازی برای عبور از بحران همراه باشد. صرفاً گفتن اینکه شرایط سخت است، بدون اینکه مشخص شود چه برنامه‌ای برای اصلاح شرایط وجود دارد، نمی‌تواند افکار عمومی را قانع کند. مطالبه اصلی جامعه نیز نه همدردی مسئولان با مردم، بلکه توضیح روشن درباره سیاستی است که قرار است ارزش پول ملی، قدرت خرید خانوار و ثبات اقتصادی را حفظ کند.

توقف خرید اسکناس؛ عقب‌نشینی بانک مرکزی؟

یکی از تصمیم‌های بحث‌برانگیزی که در اظهارات مدیران همراه رئیس کل بانک مرکزی در جمع کارآفرینان، از جمله مدیران اداره تخصیص ارز، مطرح شد، توقف رسمی خرید اسکناس ارز از سوی بانک مرکزی و واگذاری معاملات به بازار توافقی است. چنین رویکردی می‌تواند یکی از ابزارهای مداخله مستقیم بانک مرکزی در بازار اسکناس را محدود کند. در این چارچوب، واردکننده برای تأمین اسکناس بیش از گذشته به معامله مستقیم با صادرکنندگان وابسته می‌شود و در صورت محدود بودن عرضه، زمینه برای افزایش قیمت و نقش آفرینی بیشتر سفته‌بازان فراهم می‌شود.

همه مقصرند جز سیاست‌های دولت

همتی در سخنان اخیر خود بار دیگر به تحریم، تهدیدهای آمریکا و جنگ اشاره کرده است. تردیدی نیست که تحریم و جنگ، هزینه مبادلات خارجی، ریسک فعالیت اقتصادی و دشواری دسترسی به منابع ارزی را افزایش می‌دهند و بر نرخ ارز اثر دارند. اما تقلیل تورم و کاهش ارزش پول ملی به عوامل خارجی، مسئله‌ای چندلایه را به یک علت واحد فرو می‌کاهد. اگر تحریم تنها عامل افزایش تورم و تضعیف ریال است، نقش سیاست پولی، رشد نقدینگی، پایه پولی،

بازار ارز پس از اظهارات هفته گذشته مسعود پزشکیان، رئیس دولت چهاردهم، و عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، بار دیگر وارد مدار صعودی شد. در شرایطی که افکار عمومی و فعالان اقتصادی در انتظار مدیریت بازار و بازگشت آرامش بودند، مواضع مطرح‌شده نه تنها آرامش بخش نبود، بلکه از نگاه منتقدان حاوی سیگنال‌هایی برای افزایش قیمت دلار بود. نرخ ارز طی چهار روز کاری ۱۰ درصد بالا رفت، سقف تاریخی ۲۰۰ هزار تومان را شکست. نرخ دلار در زمان تحویل دولت به مسعود پزشکیان ۵۸ هزار و ۴۱۰ تومان بود. این نرخ پیش از آغاز جنگ، (۷ اسفند ۱۴۰۴) به ۱۶۶ هزار و ۲۶۰ تومان رسید و رشد ۱۸۴.۸ درصدی را تجربه کرد. پس از آغاز جنگ، نرخ ارز اندکی کاهش یافت و در پایان سال ۱۴۰۴، (۲۸ اسفند) ۱۵۹ هزار و ۲۸۰ تومان بسته شد. از ابتدای سال جاری تا ۲۷ مرداد با ۱۲.۴ درصدی نیز نرخ دلار به ۱۸۷ هزار تومان رسید، اما جهش اخیر، نقطه عطف دیگری بود و قیمت دلار را در تنها چهار روز کاری به ۲۰۲ هزار تومان رساند.

همتی در تازه‌ترین اظهارات خود با اعضای مجمع کارآفرینان ایران، بر «صحبت صادقانه با مردم» تأکید کرد و گفت کشور در شرایط سختی قرار دارد، اما این شرایط با «فروپاشی» تفاوت دارد. رئیس بانک مرکزی مدعی شد بانک مرکزی توانسته شتاب تورم را متوقف کند و تورم ماهانه مردادماه ۴ درصد بوده است. مسئله اما آنجاست که یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش عملکرد سیاست‌گذار پولی، ارزش پول ملی است. اگر وظیفه اصلی بانک مرکزی کنترل تورم و جلوگیری از کاهش ارزش پول ملی است، نمی‌توان کارنامه آن را بدون توجه به مسیر نرخ ارز بررسی کرد. دلار از حدود ۱۳۵ هزار تومان در زمان آغاز ریاست همتی بر بانک مرکزی به بیش از ۲۰۰ هزار تومان رسیده که افزایش ۴۹ درصدی را نشان می‌دهد.

«صداقت» یا آیه یأس؟

همتی گفته است اظهارات او درباره مسائل اقتصادی به معنای امید کردن و ترساندن مردم نیست. مرور محتوای منتشرشده در رسانه‌های



گرانی‌سازی مسیر ارزی دولت چهاردهم

سیاست ارزی دولت چهاردهم از ابتدا بر حرکت به سمت آزادسازی، تعدیل قیمت‌ها و نزدیک کردن نرخ‌های رسمی به بازار آزاد استوار بود. در پاییز ۱۴۰۳، نرخ ارز تنها از حدود ۳۹ هزار تومان به ۴۵ هزار تومان افزایش یافت و سپس سازوکار بازار توافقی با نرخ حدود ۶۰ هزار تومان جایگزین نیمای شد. همتی نیز در ۱۵ دی‌ماه ۱۴۰۴ جایگزین محمد رضا فرزین در بانک مرکزی شد. او در آغاز مسئولیت، با دلار حدود ۱۳۵ هزار تومانی بازار آزاد، وعده ثبات نرخ ارز در افق ۶ ماه تا یک سال را مطرح کرد. با این حال، در نیمه همان ماه سیاست تکنرخی‌شدن (حذف نرخ ترجیحی و تالار اول) اجرا شد و نرخ رسمی دلار به ۱۲۶ هزار تومان رسید. اکنون این نرخ از ۱۵۷ هزار تومان عبور کرده است.

موج خبر

هرمز، زیرسایه جنگ اقتصادی

بررسی هم‌زمان داده‌های رویترز، الجزیره و مرکز عملیات تجارت دریایی انگلیس نشان می‌دهد که در دو روز نخست هفته جاری، تردد کشتی‌های تجاری در هردو جهت تنگه به پایین‌ترین سطح ممکن رسیده و تعداد آن‌ها تک‌رقمی بوده است. هم‌زمان با ادعای جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، مبنی بر عبور روزانه بین ۷ تا ۱۵ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز و انتشار گزارش‌هایی از سوی رسانه‌هایی مانند اکسیوس درباره ایجاد یک کریدور دریایی تحت حمایت آمریکا، داده‌های ردیابی دریایی و گزارش‌های مستقل، تصویر کاملاً متفاوتی از وضعیت تردد در این آب‌راه استراتژیک ترسیم می‌کنند. رویترز دیروز، به نقل از داده‌های ردیابی دریایی، گزارش داد که در روزهای شنبه و یکشنبه این هفته، کمتر از ۲۰ فروند کشتی تجاری از تنگه عبور کرده‌اند که این رقم در روز یکشنبه به تنها ۴ فروند کاهش یافته است؛ رقمی که در مقایسه با میانگین ۱۳۰ فروندی پیش از جنگ، بیانگر کاهش بیش از ۹۰ درصدی در تردد هاست.

الجزیره نیز گزارش داد که به دنبال تهدیدهای رسمی ایران مبنی بر ممانعت از عبور نفت‌کش‌ها در صورت همکاری کشورهای همسایه با تحریم‌های آمریکا، نقشه تردد دریایی در تنگه هرمز دستخوش تغییرات اساسی شده است. بر اساس گزارش این شبکه، با استناد به داده‌های مشاهده‌شده از ابتدای روز شنبه تا روز یکشنبه، تنها ۵ فروند نفت‌کش و ۳ فروند نفت‌کش گاز ثبت شده است. الجزیره در ادامه به تمایز میان دو مسیر عبوری نیز اشاره کرده و توضیح داده است که در مسیر اصلی تنگه هرمز، که از داخل آب‌های ایران و عمان می‌گذرد، همین تعداد نفت‌کش تردد داشته‌اند. هرچند این تعداد در مقایسه با وضعیت عادی بسیار ناچیز است، داده‌ها نشان می‌دهد که در مسیر موسوم به کریدور عمانی، که آمریکایی‌ها با ادعای حفاظت نظامی از آن سعی در ترغیب نفت‌کش‌ها به عبور از این مسیر دارند، در دو روز اخیر هیچ نفت‌کشی از این کریدور عبور نکرده است. تردد در این مسیر تنها به چند فروند کشتی باری محدود بوده که بیشتر آن‌ها نیز هویت و مقصد خود را مخفی کرده‌اند.

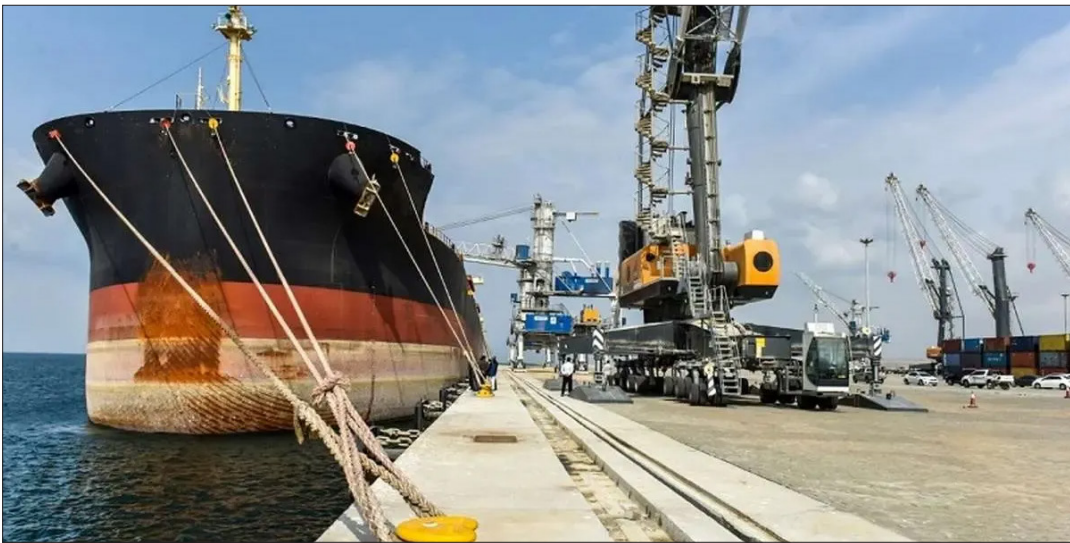
این تفاوت آشکار میان دو مسیر نشان می‌دهد که کریدور تحت حمایت آمریکا نتوانسته است نفت‌کش‌ها را به خود جذب کند و آن‌ها یا از مسیر اصلی با احتیاط عبور کرده‌اند یا با خاموش کردن دستگاه موقعیت‌یاب خود، از ثبت هویت و محموله خود جلوگیری کرده‌اند. این آمار در حالی منتشر می‌شود که بازار جهانی نفت نیز واکنش مثبتی به این تحولات نشان داده و قیمت نفت برنت در معاملات دیروز به نزدیک ۹۴ دلار در هریشکه صعود کرده است.

نوبنیاد از ضرورت بازطراحی نقشه تجارت خارجی گزارش می‌دهد؛

پایان عصر دبی در تجارت ایران؟

تصمیم امارات متحده عربی برای توقف فعالیت‌ها و مبادلات تجاری و معاملات مالی با ایران، نقطه عطفی در روابط اقتصادی است؛ تصمیمی که وزارت خارجه امارات ۲۸ مرداد آن را رسماً اعلام کرد.

این تصمیم، در حقیقت، تکمیل‌کننده پازل فشار حداکثری اقتصادی آمریکا پس از شکست در جبهه‌های نظامی است. این تصمیم پس از تماس تلفنی محمدبن زاید رئیس امارات با ترامپ، اعلام شد.



نیمای سهیلی

روزنامه نگار

روزنامه وال استریت ژورنال فاش کرد که مقامات آمریکایی تأکید کرده‌اند هدف قرار دادن شریان‌های مالی دبی، تأثیری به مراتب سنگین‌تر از محاصره دریایی بنادر ایران دارد. اکنون که امارات کارکرد خود را از یک هاب ارزی-لجستیکی به مهره‌ای در جنگ اقتصادی واشنگتن تغییر داده، اقتصاد ایران ناگزیر از جراحی ساختاری، خروج از انفعال تاریخی در بازار درهم و بازماندگی فوری شاهراه‌های تجاری خویش است. اهمیت ماجرا صرفاً در توقف یک رابطه تجاری دو جانبه خلاصه نمی‌شود. دبی طی سه دهه گذشته به یکی از مهم‌ترین هاب‌های تجاری، لجستیکی، مالی و صادرات مجدد برای اقتصاد ایران تبدیل شده و در شرایط تحریم، درهم امارات نیز به یکی از ابزارهای مهم تسویه تجارت خارجی بدل شده است.

از همین رو، تصمیم ابوظهبی می‌تواند در کوتاه‌مدت هزینه تجارت را برای کشورمان افزایش دهد؛ اما پرسش اصلی این نیست که آیا بدون امارات می‌توان تجارت کرد، بلکه این است که هزینه و زمان جایگزینی این مسیر چقدر خواهد بود و آیا ایران از این تجربه برای اصلاح ساختار تجارت خارجی خود استفاده خواهد کرد یا خیر؟ برای فهم ابعاد ماجرا، باید تصویر واقعی اقتصاد امارات را از پس غبار تبلیغاتی جدا کرد. دبی تولیدکننده کالاهای اساسی یا ماشین‌آلات پیشرفته نیست، بلکه نقش یک پایانه واسطه‌گری و بازصادرات را بازی کرده است. طبق آمار رسمی، تا پیش از جنگ رمضان، حدود ۱۰ درصد از تجارت ایران و امارات مربوط به تولیدات واقعی این کشور بوده و ۹۰ درصد مابقی، ترانزیت و مبادلات مالی پوششی کالاهای تولیدشده در سایر نقاط جهان بوده است. براساس آمار گمرک، مبادلات تجاری ایران و امارات در ۱۰ ماه نخست سال گذشته، حدود ۶.۵ میلیارد دلار صادرات ایران به امارات و نزدیک به ۱۴.۸ میلیارد دلار واردات با مبدأ گمرکی این کشور بوده است.

تراز تجاری منفی گویای آن است که امارات سالانه میلیارد‌ها دلار از بابت کارمزد صراف‌ها، خدمات بندری، بیمه، حمل‌ونقل و شرکت‌های ترانزیتی از تجارت با ایران سود برده است. بخش بزرگی از درآمد بنادر دبی مانند جبل علی و شریان‌های کشتیرانی حاشیه خلیج فارس، حاصل تعویض اسناد و تخلیه و بارگیری

مجدد محموله‌هایی است که مقصد نهایی آن‌ها بازار ۸۵ میلیونی ایران بوده است. به همین دلیل، مقامات اماراتی به شدت نگران بازگشت موج این شوک به اقتصاد خود و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس هستند.

مجیدرضا حریری، رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و چین، علت تمرکز بیش از حد تجارت ایران با امارات را ناشی از راهبردهای کوتاه‌مدت گذشته دانست و گفت: علت اینکه این کشور در تا سه دهه اخیر در تجارت خارجی ایران بزرگ شد، تحریم بود؛ امارات در حوزه تجارت خارجی یکی از راه‌هایی بود که برای دور زدن تحریم طراحی شد. رئیس اتاق مشترک ایران و چین با بیان اینکه مسیر امارات در بلندمدت قابل جایگزینی است و ایران می‌تواند از مسیرهای دیگری استفاده کند، تأکید کرد: حتی می‌توان گفت طرفی که بیشتر متضرر می‌شود، ایران نیست و امارات نیز هزینه قابل توجهی متحمل خواهد شد؛ زیرا موضوع تجارت خارجی فقط انتقال پول نیست و اصل موضوع، امکان حمل کالا، صادرات، واردات و دسترسی به بازارهاست. او ادامه داد: اهمیت این موضوع زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم دبی صرفاً مقصد کالاهای ایرانی نیست، بلکه برای بخشی از تجارت منطقه‌ای ایران نقش مرکز صادرات مجدد را نیز ایفا می‌کند؛ بنابراین توقف مبادلات می‌تواند برای فعالان اقتصادی امارات نیز به معنای از دست رفتن بخشی از فعالیت تجاری، درآمدهای لجستیکی، حمل‌ونقل، خدمات مالی و صادرات مجدد باشد.

آیا حذف امارات به معنای حذف کالا از بازار است؟

حریری بارد این تصور که حذف امارات مساوی با حذف کالا است، به پشتوانه ذخایر استراتژیک کشور اشاره کرد و افزود: در شرایط فعلی نگرانی در مورد کمبود کالا و عدم دسترسی مردم به کالاهای مورد نیاز وجود ندارد و براساس اطلاعات، منابع و انبارهای کشور حداقل برای چند ماه آینده پاسخگوی نیاز داخلی هستند. حالا اینکه مردم چقدر توان خرید دارند، بحث جداگانه‌ای است که به سیاست‌گذاری اقتصاد داخلی برمی‌گردد.

این فعال اقتصادی تصریح کرد: قطعاً به نقطه‌ای رسیدهایم که به هر حال از منظر تصمیم‌گیری‌های سیاسی می‌بایستی روال اقتصادی خودمان را به راه دیگری هدایت کنیم. تا جایی که امروز آمده‌ایم، نقاط ضعف بسیار زیادی داشته‌ایم و این

نقاط ضعف باعث شده که دشمن بتواند از آن‌ها استفاده کند. زمانی که ترامپ در بحث‌های نظامی شکست می‌خورد، کاملاً امیدوارانه معتقد است که از راه اقتصاد به آن اهداف می‌رسد؛ بنابراین اقتصاد ما به طور کلی نیازمند بازنگری است و روش‌های اقتصادی ما زیر سؤال است. به گفته حریری، اقتصاد ایران باید به اندازه سایر حوزه‌های راهبردی کشور از استقلال و قدرت تاب‌آوری برخوردار باشد؛ بنابراین توقف تجارت با امارات را باید در پازل بزرگ‌تری به نام امنیت اقتصادی جست‌وجو کرد. همچنان که آمریکا پس از نومی‌دی در دست یافتن به اهداف خود در تسلیم کردن ایران از مسیر حمله نظامی، دوباره به گزینه فشارهای اقتصادی روی آورده تا امنیت اقتصادی را هدف قرار دهد. خروج امارات از چرخه بازصادرات، ضرورت مدیریت لجستیکی واردات سالانه نزدیک به ۴۰ میلیون تن کالا به کشور، شامل ۲۷ تا ۲۸ میلیون تن کالای اساسی و ۱۳ تا ۱۴ میلیون تن کالاهای صنعتی، معدنی و پتروشیمی، را پیش کشیده است. با توجه به اینکه مسیرهای جنوب به دلیل محاصره با افت ظرفیت مواجه شده‌اند، سازمان توسعه تجارت و نهادهای اقتصادی کشور طراحی کرد و راه‌های جایگزین را به مرحله اجرا درآورده‌اند. انتقال کالاهای اساسی به کریدور شمال بخشی از این برنامه است که علاوه بر امنیت بالا، دسترسی مستقیم به تولیدکنندگان دست‌اول را ایجاد کرده است. برای بخش عمده‌ای از بارهای صنعتی که پیش‌تر از کانال بنادر واسطه‌ای حمل می‌شد، مسیرهای ریلی و جاده‌ای شرق و بندرگاه‌های پاکستان در دست توسعه است.

اگرچه ایران برای جایگزینی مسیرهای تجاری خود با هزینه و پیچیدگی مواجه خواهد شد، اما شرکت‌ها و فعالان اقتصادی امارات نیز بخشی از بازار و درآمد حاصل از تجارت با ایران را از دست خواهند داد. تجربه ماه‌های اخیر به وضوح نشان داد راه حل تجارت تحریم‌ناپذیر، یافتن یک امارات دوم نیست؛ بلکه توزیع ریسک در یک شبکه چندوجهی است. برای تحقق امنیت پایدار اقتصادی، اجرای فوری این الزامات اجتناب‌ناپذیر است. اکنون مسئله اصلی این نیست که دبی باز می‌گردد یا نه؛ مسئله این است که آیا ایران می‌خواهد تجارت خارجی خود را همچنان به یک گلوگاه وابسته نگه دارد یا از این بحران برای ساختن اقتصاد جدید استفاده کند که در برابر فشار خارجی، مسیرهای بیشتری برای ادامه حیات و رشد داشته باشد.

کوچ تجار ایرانی از امارات به چین

پس از اینکه امارات اعلام کرد، مبادلات تجاری و مالی را با ایران متوقف کرده، تاجران ایرانی با شتاب بیشتری به دنبال مسیرها و کشورهای جایگزین هستند.

علی شریعتی عضو اتاق بازرگانی تهران در این باره می‌گوید:

۸۰ درصد تاجران امارات تجارت واقعی و از دنیای مسیره‌ها و کشورهای جایگزین هستند. علی شریعتی عضو اتاق بازرگانی تهران در این باره می‌گوید:

۸۰ درصد تاجران امارات تجارت واقعی و از دنیای مسیره‌ها و کشورهای جایگزین هستند. علی شریعتی عضو اتاق بازرگانی تهران در این باره می‌گوید:

۸۰ درصد تاجران امارات تجارت واقعی و از دنیای مسیره‌ها و کشورهای جایگزین هستند. علی شریعتی عضو اتاق بازرگانی تهران در این باره می‌گوید:

۸۰ درصد تاجران امارات تجارت واقعی و از دنیای مسیره‌ها و کشورهای جایگزین هستند. علی شریعتی عضو اتاق بازرگانی تهران در این باره می‌گوید:

نبض اقتصاد

دولت: کاهش سهمیه بنزین قطعی است

دولت در شرایطی از سیاست‌های بنزینی و کاهش سهمیه‌ها سخن می‌گوید که در مقابل، برای افزایش کالابری که پیش‌تر وعده آن را داده بود، هنوز تصمیمی نگرفته است. رئیس دفتر رئیس‌جمهور اعلام کرد: موضوع بنزین به دلیل تأخیر در سیاست‌گذاری طی دهه‌های گذشته، امروز کشور را با شرایط دشواری روبه‌رو کرده است؛ به گونه‌ای که فاصله قیمت بنزین عرضه‌شده در ایران با قیمت منطقه‌ای بسیار زیاد است و از سوی دیگر، میزان تولید بنزین در کشور کمتر از میزان مصرف است.

محسن حاجی‌میرزایی با تأکید بر اینکه دولت ناگزیر از مداخله در وضعیت بنزین است، افزود: قطعاً در این زمینه سیاستی اتخاذ خواهد شد و بخشی از این سیاست به کاهش سهمیه‌ها مربوط می‌شود. وقتی تحت تأثیر جنگ بخشی از تولید آسیب دیده، باید مصرف تا حدی به مصارف ضروری و الزامی محدود شود تا خرابی‌های ناشی از جنگ جبران شود.

رئیس دفتر رئیس‌جمهور درباره احتمال تغییر قیمت بنزین نیز اظهار کرد: در خصوص سیاست‌های قیمتی، ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و امنیتی موضوع در حال مطالعه و بررسی است. آنچه قطعی است، این است که سهمیه‌ها تا حدی کاهش پیدا می‌کند، اما قیمت بنزین در سهمیه‌های موجود تغییر نخواهد کرد. اگر افراد بیش از سهمیه مورد نیاز خود مصرف داشته باشند، ممکن است مجبور شوند بنزین را با قیمت بالاتری دریافت کنند؛ میزان این قیمت نیز در دست بررسی دولت است و پس از تصمیم‌گیری اعلام خواهد شد. او درباره افزایش رقم اعتبار کالابری گفت: ۸۵ همت پول صرف کالابری می‌شود. عده‌ای نیاز به این مبلغ ندارند. حاجی‌میرزایی تأکید کرد: قرار نیست کالابری همه مردم افزایش یابد.

قسط ۵۱ میلیون تومانی وام مسکن؛ چ‌ه کسانی توان پرداخت دارند؟

هفته گذشته بانک مرکزی با افزایش سقف تسهیلات پرداختی از محل اوراق گواهی حق تقدم برای ساخت و خرید واحد مسکونی و همچنین جعاله موافقت کرد. براساس این تصمیم، سقف تسهیلات خرید و ساخت مسکن در شهر تهران برای زوجین به ۲ میلیارد تومان افزایش یافته است. در مراکز استان‌ها و شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر جمعیت نیز سقف این تسهیلات برای متقاضیان انفرادی ۸۰۰ میلیون تومان و برای زوجین یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان تعیین شده است. در سایر مناطق نیز سقف وام خرید و ساخت مسکن برای متقاضیان انفرادی ۶۰۰ میلیون تومان و برای زوجین یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان خواهد بود.

سقف تسهیلات جعاله یا تعمیر واحد مسکونی از محل اوراق گواهی حق تقدم به ۴۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است. سود وام خرید و جعاله مسکن از محل اوراق ۲۲.۵ درصد است. بر این اساس، قسط ماهانه وام ۲ میلیارد تومانی با بازپرداخت ۱۲ ساله حدود ۴۰ میلیون و ۲۷۵ هزار تومان خواهد بود. مجموع سود پرداختی این تسهیلات حدود ۳ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان برآورد شده و کل بازپرداخت وام‌گیرنده در پایان دوره ۱۲ ساله به حدود ۵ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان می‌رسد. در بخش جعاله نیز دریافت وام ۴۰۰ میلیون تومانی با قسط ماهانه حدود ۱۱ میلیون و ۱۶۰ هزار تومان همراه است. مجموع سود این وام حدود ۲۷۰ میلیون تومان خواهد بود و وام‌گیرنده در مجموع حدود ۶۷۰ میلیون تومان بازپرداخت خواهد کرد. به این ترتیب، دریافت مجموع ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان تسهیلات خرید یا ساخت مسکن به همراه جعاله، به معنای پرداخت حدود ۲ میلیارد و ۴۷۰ میلیون تومان سود است.

همچنین مجموع اقساط ماهانه این تسهیلات به حدود ۵۱.۵ میلیون تومان می‌رسد و کل مبلغ بازپرداخت نیز حدود ۶ میلیارد و ۸۷۰ میلیون تومان خواهد بود. افزایش سقف وام مسکن در شرایطی انجام شده که هزینه بازپرداخت آن نیز رقم قابل توجهی دارد. مسکن نقش مهمی در اقتصاد و اشتغال کشور دارد، اما با توجه به سود سنگین این تسهیلات، وام جدید مسکن می‌تواند به جای آنکه صرفاً ابزاری برای کمک به خانه‌دار شدن مردم باشد، خود به یک بار مالی بزرگ برای وام‌گیرندگان تبدیل شود.

بین الملل



ارتش یمن: یک نفتکش سعودی و ۱۰ کامیون حامل سلاح آن را هدف قرار دادیم

یحیی سریع سخنگوی نیروهای مسلح یمن در بیانیه ای به تشریح جزئیات عملیاتهای دقیق علیه حکومت سعودی پرداخت. در این بیانیه آمده است که نفتکش متعلق به دشمن سعودی با نام «آمران» در مقابل سواحل «ینبع» (واقع در دریای سرخ) با یک فروند موشک بالستیک هدف قرار گرفته است. این اصابت موشک دقیق و مستقیم بوده که منجر به وقوع آتش سوزی گسترده در این شناور شده است. همچنین به لطف خداوند، طی دو عملیات نظامی، تجمعات دشمن سعودی را با تعدادی موشک بالستیک و پهپاد هدف قرار دادیم. طی عملیات نخست، تجمعات سعودی متشکل از یک ستون نظامی بزرگ همراه با مهمات و جنگ افزارها در مناطق العبر و الودیع هدف قرار گرفت. طی عملیات نخست، بیش از ۱۰ کامیون حامل سلاح که از خاک عربستان برای هدف قرار دادن ملت یمن وارد شده بود، به آتش کشیده و منهدم شد. در عملیات دوم، تجمعات دشمن سعودی در منطقه الکنایس هدف قرار گرفت که به کشته و زخمی شدن ده ها نفر از جمله چندین فرمانده و افسر و انهدام تعدادی از انبارهای تسلیحاتی آنها منجر شد. همچنان به یاری خدا به اعمال محاصره دریایی دشمن سعودی و ممانعت از کشتیرانی آن در چارچوب منطقه عملیاتی اعلام شده در چارچوب اجرای معادله محاصره با محاصره و تشدید تنش کامل با تشدید تنش کامل ادامه خواهیم داد.



پایان پکس آمریکانا

وقتی ابر قدرت دیگر ابر قدرت نیست

آنچه پس از سال ۲۰۲۰ و به ویژه در پی جنگ روسیه و اوکراین و مهم تر از همه، در جریان رویارویی آمریکا با ایران رخ داد، صرفاً مجموعه ای از بحران های مقطعی نیست؛ بلکه نشانه های یک تغییر تاریخی است. در محافل روابط بین الملل و مطالعات راهبردی، بحث «افول قطعی آمریکا» دیگر یک فرض حاشیه ای نیست؛ پرسش اصلی این است که این افول با چه سرعتی نظم آمریکایی را به جهان پسا آمریکا تبدیل خواهد کرد.

واشنگتن اساساً هنوز توان اجرای تعهدات گسترده نظامی خود را دارد؟ متیو کرونینگ نیز در همین چارچوب گفته است که بازدارندگی تنها اعتبار نیست؛ توانمندی هم لازم است. وقتی ذخایر تسلیحاتی کاهش می یابد، دشمنان دیگر فقط درباره اراده آمریکا تردید نمی کنند؛ درباره ظرفیت آن نیز تردید خواهند کرد.

پایان «صلح آمریکایی»

پکس آمریکانا یا «صلح آمریکایی» همان نظامی بود که پس از جنگ جهانی دوم بر پایه برتری اقتصادی، نظامی و نهادی آمریکا شکل گرفت و پس از فروپاشی شوروی، در دوره تک ابر قدرتی به نظم تقریباً جهانی تبدیل شد. واشنگتن هم زمان پلیس، ضامن امنیت، معماری کننده قواعد و قدرت موازنه کننده جهان بود. اما جنگ ایران را می توان میخ آخر بر تابوت این نظم دانست.

مارک لینچ، استاد دانشگاه جورج واشنگتن، در فارن افرز از پایان «خاورمیانه آمریکایی» سخن گفته و شکست آمریکا و اسرائیل در تحمیل اراده خود بر تهران و ناتوانی واشنگتن در حفاظت از متحدانش در خلیج فارس را نشانه فروپاشی معامله امنیتی پیشین دانسته است. این گزاره اهمیت راهبردی دارد: اگر بزرگ ترین قدرت نظامی تاریخ نتواند امنیت متحدان خود را تضمین کند، ارزش شبکه عظیم پایگاه هایش نیز زیر سؤال می رود. هال برنزد در بلومبرگ هشدار داده که ترامپ برخلاف رهبران پیشین آمریکا، گاه چنان رفتار می کند که گویی قصد دارد به متحدان ثابت کند واشنگتن الزاماً از آنان دفاع نخواهد کرد. فرید زکریا نیز پیمان دفاعی ترکیه، عربستان و پاکستان را «زلزله کوچک ژئوپولیتیک» توصیف کرده است؛ نشانه ای از اینکه متحدان سابق آمریکا بیش از گذشته به سمت استقلال راهبردی می روند. مسئله اما از «اعتبار» فراتر رفته است. گزارش های مربوط به فرسایش ذخایر مهمات آمریکا پس از جنگ ایران، پرسش دیگری را مطرح کرده اند: آیا



احسان میرباقری

روزنامه نگار

پایان هژمونی یا آغاز جهان چندقطبی؟

ظهور ترامپ و ترامپیزم با شعار «دوباره آمریکا را بزرگ و قدرتمند کنیم» خود برای بسیاری از اندیشمندان روابط بین الملل، بیش از آنکه نشانه قدرت باشد، اعترافی سیاسی به از دست رفتن بخشی از قدرت آمریکا بود. کشوری که در دوران ریگان خود را در اوج پیروزی، اقتدار اقتصادی، نظامی و ایدئولوژیک می دید، امروز رئیس جمهوری دارد که وعده می دهد عظمت از دست رفته را بازگرداند. دو دوره ترامپ نیز این تناقض را عمیق تر کرده است. دو دوره سرتاسر دیوانگی های ترامپ که جهان را وارد دوره ای جدید از تنش و خشونت کرده است، امروز موجب این شده است که کمتر کسی در علم روابط بین الملل آمریکا را همان قدرت یک تاز دهه ۱۹۹۰ بدانند و حتی کمتر کسی می تواند با اطمینان بگوید تصمیم های واشنگتن الزاماً محصول محاسبه عقلانی، ثبات راهبردی و یک دستگاه حکمرانی منسجم است. درماندگی آمریکا در جنگ با ایران بسیاری از دانشمندان علم روابط بین الملل را بر این داشته که جهان در «لحظه سوئر» دیگری همانند زمانی که بحران سوئر پایان عصر هژمونی بریتانیا را نشان داد قرار گرفته است.

یادداشت

بوی باروت در شام

محسن پوردادفر
روزنامه نگار

تنش میان ترکیه و رژیم صهیونیستی به نشانه ای از فرسایش نظم امنیتی تبدیل شده که آمریکا طی دهه ها در غرب آسیا و شرق مدیترانه بنا کرده است. دو بازیگری که هر دو در منظومه امنیتی واشنگتن جایگاه مهمی دارند، امروز در سوریه و فلسطین در برابر یکدیگر قرار گرفته اند.

آخرین نمونه، حمله لفظی نتانیا هو به اردوغان و متهم کردن رئیس جمهور ترکیه به «دیکتاتوری ضدیهود» بود؛ موضعی که پس از اقدام قضایی ترکیه علیه نخست وزیر رژیم صهیونیستی مطرح شد.

رژیم صهیونیستی پس از تحولات سوریه تلاش کرده با ایجاد مناطق حائل و گسترش حضور نظامی خود، عمق راهبردی تازه ای ایجاد کند. تل آویو همزمان با تداوم جنایات خود در غزه و جنوب لبنان، در سوریه نیز به دنبال تثبیت یک کمربند امنیتی است؛ سیاستی که طبیعتاً با منافع و حضور نظامی ترکیه در شمال سوریه اصطکاک پیدا می کند.

اوج این تنش در حمله جنگنده های رژیم صهیونیستی به اطراف ابوالظهور در شمال سوریه نمایان شد؛ حمله ای که تل آویو تلاش کرد آن را اقدامی پیشگیرانه برای حفظ امنیت خود معرفی کند. نتانیا هو مدعی شد استقرار نیروهای ترکیه در یک پایگاه سوری تهدیدی مستقیم علیه رژیم صهیونیستی است. این همان منطق آشنای تل آویو است: هر اقدامی خارج از اراده این رژیم، تهدید تلقی می شود و سپس تجاوز نظامی با عنوان «دفاع از خود» توجیه می شود.

حتی مقام های آمریکایی نیز نسبت به تشدید تنش هشدار داده اند. واشنگتن که دهه ها از اقدامات رژیم صهیونیستی در منطقه حمایت کرده، این بار خود را در جایگاه آتش نشان بحرانی می بیند که یکی از مهم ترین متحدانش شعله ور کرده است. این وضعیت، تناقض سیاست موازنه سازی آمریکا میان آنکارا و تل آویو را آشکارتر می کند.

اما اختلاف آنکارا و تل آویو را باید بیش از هر چیز در فلسطین جست وجو کرد. ترکیه به یکی از منتقدان جدی جنایات رژیم صهیونیستی در غزه تبدیل شده و به پرونده آفریقای جنوبی علیه اسرائیل در دیوان بین المللی دادگستری پیوسته است. اردوغان نیز بارها سیاست های تل آویو را به شدت محکوم کرده است.

این موضع برای رژیمی که تحمل کوچک ترین چالش سیاسی و دیپلماتیک را ندارد، صرفاً یک اختلاف عادی نیست. تل آویو روابط آنکارا با حماس و نقش احتمالی ترکیه در تحولات غزه را تهدیدی علیه راهبرد خود می داند و به همین دلیل، تلاش برای محدود کردن نقش ترکیه در معادلات منطقه ای را دنبال می کند.

آنچه امروز در شرق مدیترانه رخ می دهد، در نهایت بیش از آنکه صرفاً منازعه ترکیه و اسرائیل باشد، نشانه ای از بحران در اردوگاه آمریکاست. واشنگتن سال ها کوشیده ترکیه و رژیم صهیونیستی را در چارچوب نظم مطلوب خود نگه دارد، اما اختلاف منافع آنها در سوریه و فلسطین اکنون به سطحی رسیده که مدیریت آن برای آمریکا دشوار شده است.

فؤاد ایزدی در گفت‌وگو با «نوبنیاد» راه حل شکست محاصره اقتصادی و عبور کشور از فضای جنگی را تشریح کرد

«اشتباه اسلام‌آباد» باید اصلاح شود

راهکارهای مقابله با محاصره و ظرفیت‌های بازدارندگی ایران، عملکرد دولت ترامپ، تجربه مذاکرات و تفاهم‌نامه اسلام‌آباد و چشم‌انداز بازگشت احتمالی به میز مذاکره نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. متن مصاحبه به شرح ذیل است:

روزنامه «نوبنیاد» در گفت‌وگویی با فؤاد ایزدی، کارشناس مسائل آمریکا، به بررسی ابعاد محاصره دریایی آمریکا علیه ایران پرداخته است؛ موضوعی که هم‌زمان با تشدید فشارهای اقتصادی و تداوم محاصره بنادر ایران، ادامه دارد. در این گفت‌وگو، ضمن بررسی



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

با توجه به محاصره دریایی آمریکا، ایران چگونه می‌تواند این محاصره را بشکند و یا آن را بی‌اثر کند؟

محاصره دریایی یک کشور، براساس حقوق بین‌الملل، اقدامی جنگی محسوب می‌شود؛ همان‌گونه که استفاده از موشک در زمهره اقدامات جنگی قرار می‌گیرد. بنابراین، هنگامی که جنگی علیه یک کشور آغاز شده و از ابزارهای جنگی علیه آن استفاده می‌شود، آن کشور نیز حق دارد در چارچوب دفاع و مقابله، از ابزارهای متناسب استفاده کند. بر همین اساس، اگر ایران در پاسخ به محاصره دریایی، مراکز نفتی منطقه‌ای را که آمریکا در آنها سرمایه‌گذاری دارد هدف قرار دهد یا اجازه ندهد حتی یک قطره نفت ایران از خلیج فارس خارج شود، این اقدام را می‌توان پاسخی متقابل به یک اقدام جنگی دانست. با این حال، تجربه ماه‌های گذشته نشان داده است که نمی‌توان حل این مسئله را صرفاً به مذاکره و گفت‌وگو واگذار کرد. ایران ماه‌ها درگیر مذاکره با آمریکا بود و پس از شکل‌گیری تفاهم‌نیز، با وجود عبور نفت مورد نظر طرف مقابل از خلیج فارس، بار دیگر حملات و اقدامات نظامی آغاز شد. از این منظر، مذاکره با دولت ترامپ، بدون برخورداری از اهرم‌های واقعی و تضمین‌های قابل‌اتکا، نمی‌تواند نتیجه مطلوبی برای ایران داشته باشد.

در شرایط کنونی، علاوه بر گزینه دیپلماتیک، گزینه بازدارندگی نظامی نیز باید روی میز باشد. این به معنای حمله فوری به آمریکا یا هدف قرار دادن چاه‌های نفتی این کشور نیست؛ بلکه به معنای ایجاد اجماع در داخل و به‌ویژه در شورای عالی امنیت ملی برسر این واقعیت است که ادامه فشار علیه ایران باید برای آمریکا نیز هزینه داشته باشد.

اگر آمریکا به این جمع‌بندی برسد که نفت ایران از دسترس خارج شده و بخش قابل‌توجهی از نفت منطقه، حدود ۲۰ درصد تولید نفت جهان، برای مدت طولانی از بازار خارج خواهد شد، این مسئله می‌تواند فشار سنگینی بر اقتصاد آمریکا وارد کند. ترامپ نیز نمی‌خواهد در دوره ریاست‌جمهوری خود با بحرانی روبه‌رو شود که اقتصاد آمریکا را هدف قرار دهد و نام او با چنین بحرانی گره بخورد. بنابراین، بازدارندگی زمانی شکل می‌گیرد که آمریکا بداند ادامه فشار و محاصره، هزینه‌هایی جدی برای خود این کشور

خواهد داشت. در غیراین صورت، ممکن است پس از انتخابات، تضعیف توان نظامی و سپس زیرساخت‌های ایران را در دستور کار قرار دهد.

در چنین شرایطی برخی مسئولان با بیان عباراتی مانند پول نداریم و فقیر هستیم و...، ناخواسته پالس ضعف به دشمن ارسال می‌کنند. آیا چنین اظهاراتی می‌تواند بر محاسبات آمریکا درباره میزان تاب‌آوری و مقاومت ایران تأثیر بگذارد و این پیام را به واشنگتن منتقل کند؟

حتماً این اظهارات اثر دارد و ترامپ هم به عنوان دست‌اندر این پیام اخیراً منتشر کرد تا بگوید که سیاست من دارد جواب می‌دهد و مسئولین رده بالای ایران هم به این فشار اذعان دارند. لذا اگر مقامات آمریکایی به این جمع‌بندی برسند که سیاست فشار علیه ایران در حال نتیجه دادن است، طبیعی است که انگیزه‌ای برای تغییر این سیاست نداشته باشند. حتی اگر مقام‌های ارشد نیز به اثربخشی فشارها اذعان کنند، این اظهارات برای واشنگتن به نوعی سند موفقیت‌سیاستی تبدیل می‌شود که علیه ایران در پیش گرفته است. ما نباید اجازه دهیم با رفتار و اظهارات خود، چنین سندی از موفقیت برای طرف مقابل تولید کنیم. وقتی آمریکا احساس کند سیاست فشار جواب داده است، چرا باید این سیاست را تغییر دهد؟ منطق سیاست‌گذاری در واشنگتن اقتضا می‌کند که تا زمانی که فشارها نتیجه‌بخش تلقی شوند، همان مسیر ادامه پیدا کند. بنابراین، هرا دعای اقدامی که این تصور را تقویت کند، عملاً به تداوم سیاست فشار کمک خواهد کرد.

در چنین شرایطی عاصم منیر دوباره به ایران آمده است. در شرایط فعلی چه درسی از مذاکرات و تفاهم اسلام‌آباد باید گرفته شود؟

زمانی که ایران وارد مسیر مذاکرات شد، دولت ترامپ با مجموعه‌ای از مشکلات و فشارها مواجه بود. قیمت‌ها افزایش یافته بود، آمریکا تحت فشار اقتصادی و سیاسی قرار داشت و این پرسش در داخل و خارج از این کشور مطرح بود که چرا ترامپ به ایران حمله کرده، در حالی که به اهداف اصلی خود دست نیافته است.

در چنین شرایطی، تفاهم اسلام‌آباد برای دولت آمریکا یک فضای تنفسی ایجاد کرد. برای تثبیت این فضا نیز وعده‌هایی روی کاغذ مطرح شد؛ از جمله ادعای سرمایه‌گذاری

حدود ۳۰۰ میلیارد دلاری در ایران. اما واقعیت این بود که بخش‌هایی از این وعده‌ها اساساً قرار نبود از سوی طرف آمریکایی اجرا شود. این وعده‌ها بیشتر به عنوان کاغذپاره‌ای بود تا طرف ایرانی بتواند توافق را توجیه کند و مقام مذاکره‌کننده نیز توضیحی برای بازگشت خود داشته باشد.

از سوی دیگر، سفر به اسلام‌آباد نیز پیام بسیار بدی داشت؛ به‌ویژه اینکه پس از شهادت رهبری، با تیمی دیدار شد که در این حادثه نقش اصلی را ایفا کرده بود و هم‌زمان اعلام آمادگی برای مذاکره صورت گرفت. مذاکره هم به چه معناست؟ به معنای بده بستان. معنای چنین اقدامی از منظر طرف مقابل می‌تواند این باشد که شما رهبر ما را به شهادت رسانده‌اید و ما نه تنها واکنش متناسبی نشان نمی‌دهیم، بلکه تازه به شما امتیاز هم می‌دهیم. اینها اشتباهاتی بود که باید اصلاح شود.

ایران برای وادار کردن آمریکا به تجدیدنظر در سیاست جنگ، باید چه هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و راهبردی برای دشمن ایجاد کند؟ مؤثرترین اهرم‌های تهران برای بازدارندگی در مقابل آمریکا چیست؟

ما بمب اتم نداریم، اما تنگه هرمز را داریم و باید از آن به عنوان یک اهرم راهبردی استفاده کنیم. الان حجم قابل‌توجهی نفت هر روز از تنگه هرمز عبور می‌کند، اما برخی آقایان معتقد نیستند که باید از این ظرفیت استفاده کرد و مانع از خروج نفت شد. تاکنون نیز نفت کم و بیش از تنگه خارج شده است. لذا یکی از اهرم‌های فشار ایران، تنگه هرمز است. در کنار آن، سایت‌های نفتی و آب‌شیرین‌کن‌های منطقه هم وجود دارند. اگر این تأسیسات به گونه‌ای هدف قرار بگیرند که ظرف دو یا سه هفته بازسازی شوند، عملاً خسارت‌چندانی به طرف مقابل وارد نمی‌شود و صرفاً یک پروژه جدید برای شرکت‌های آمریکایی ایجاد خواهد شد.

اما اگر طرف مقابل به این نتیجه برسد که ایران سیاست خود را تغییر داده است؛ یعنی شورای عالی امنیت ملی و مجموعه تصمیم‌گیران کشور به این جمع‌بندی رسیده‌اند که در برابر فشارهای آمریکا، محاصره دریایی و فشار اقتصادی، رویکردی تهاجمی‌تر در پیش بگیرند، محاسبات آمریکا تغییر خواهد کرد. بازدارندگی زمانی شکل می‌گیرد که طرف مقابل بداند فشار علیه ایران برای خودش نیز هزینه‌های سنگینی به همراه خواهد داشت.

یادداشت

قالیباف علیه قالیباف

امیرشهرشاهی
روزنامه‌نگار

در میانه جنگ ترکیبی، هر جمله می‌تواند به مهمات تبلیغاتی دشمن تبدیل شود. طی پنج ماه گذشته، دلسوزان کشور و نظام بارها هشدار دادند که مواضع هیجانی، نسنجیده و حساب‌نشده، خصوصاً درباره وضعیت اقتصادی و توان تاب‌آوری ایران، بلافاصله توسط ترامپ و دستگاه تبلیغاتی آمریکا مصادره خواهد شد؛ هشدارهایی که متأسفانه جدی گرفته نشد و بارها و بارها دولتمردان و به خصوص رئیس‌جمهور آن را تکرار کردند. اما این بار محمد باقر قالیباف گفته است: «ما هر چقدر قدرت نظامی داشته باشیم ولی اگر مردم گرسنه باشند و گردش مالی ورشد اقتصادی نداشته باشیم، دوام نمی‌آوریم.» اصل توجه به اقتصاد و معیشت مردم، نه تنها قابل دفاع، بلکه ضروری است؛ اما مسئله اینجاست که چنین حرفی از زبان رئیس مجلس، آن هم در شرایط جنگی، باید با ده‌ها لایه ملاحظه و محاسبه بیان شود. دشمن منتظر همین جمله هاست و چه بسا در نظام محاسباتی آمریکا موثر باشد.

ترامپ نیز بدون اتلاف وقت، سخنان قالیباف را بازنشر کرد و آن را به روایت مطلوب خود تبدیل کرد: «رئیس مجلس ایران گفت: ما گرسنه هستیم. ما توان ایستادگی نداریم.» این دقیقاً همان چیزی است که پیش‌تر نسبت به آن هشدار داده شده بود؛ تبدیل یک جمله داخلی به سندی برای عملیات روانی خارجی.

رهبر انقلاب، آیت‌الله‌مجتبی خامنه‌ای، نیز پیش‌تر در پیام خود به مناسبت عید غدیر تأکید کرده بودند که دشمن «تاب‌آوری مردم و ایجاد خطا در دستگاه محاسبات مستولان» را هدف گرفته است. امروز شاید یکی از مصادیق روشن همین هشدار را باید در رفتار و ادبیات برخی مسئولان دید؛ جایی که دشمن لازم نیست واقعیت بسازد، بلکه کافی است بخشی از سخنان خود مسئولان ایران را انتخاب، تقطیع و بازنشر کند.

تلخ‌تر آنکه قالیباف زمانی می‌توانست در آزمون جنگ تحمیلی سوم، با اتخاذ مواضعی سنجیده، محکم و هم‌تراز با روحیه فرماندهان میدان، خود را در کنار چهره‌هایی چون حاج قاسم سلیمانی و دیگر رزمندگان شهید تعریف کند؛ اما مجموعه‌ای از مواضع و رفتارهای اخیر، او را در افکار عمومی بیشتر به چهره‌های سیاسی همچون ظریف و روحانی نزدیک کرده است؛ نه از منظر جایگاه و سابقه، بلکه از منظر ادبیات سیاسی و نوع مواجهه با فشار خارجی.

مشکل فقط یک جمله نیست؛ مشکل، دستگاه فکری پشت آن جمله است. وقتی حلقه‌ای از مشاوران منفعت‌طلب یا ساده و بی‌خبر از اقتضائات جنگ روانی، وجود داشته باشد نتیجه می‌تواند سقوط یک سیاستمدار در حساس‌ترین آزمون زندگی سیاسی‌اش گردد. قالیباف می‌توانست قهرمان این میدان باشد؛ اما اگر همین مسیر ادامه یابد، خطر آن وجود دارد که به جای نماد مقاومت، به نماد خشم و سرخوردگی بخشی از ملت تبدیل شود.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ ســـپهبد قـرنی خ شـــاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline
nobonyadonline.ir

فرهنگ

C U L T U R A L

■ سه شنبه ۳ شهریور ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۱۸ ■

گزارش کوتاه

معرفی کتاب به مناسبت هفته وحدت

علی نقدی
روزنامه‌نگار

امروز روز ولادت با برکت پیامبر اکرم و آغاز هفته وحدت است. در روزگاری که خاورمیانه و جهان اسلام بیش از هر زمان دیگری به هم‌گرایی و دوری از تفرقه‌های فرقه‌ای نیاز دارد، «هفته وحدت» فرصتی است تا به مبانی این همبستگی نگاهی دوباره بیندازیم.

در این گزارش، سه اثر شاخص را در سه سطح مختلف بررسی کرده‌ایم که هر کدام از زاویه‌ای متفاوت به مسئله وحدت شیعه و سنی پرداخته‌اند:

هم‌بستگی مذاهب اسلامی محمدتقی قمی (ترجمه و تلخیص: سید مرتضی جزایری) موسسه انتشارات امیرکبیر

علامه محمدتقی قمی، بنیان‌گذار «دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه» در قاهره و از پیشگامان گفت‌وگوی بین شیعه و اهل سنت در دوره معاصر است. این کتاب شامل مباحثات، مکاتبات، مقالات و خاطرات مرتبط با روند شکل‌گیری ایده تقریب در قاهره و تعامل بزرگان شیعه با علمای برجسته الازهر (به‌ویژه شیخ محمود شلتوت) است. مطالعه این کتاب دیدی روشن و تاریخی درباره ضرورت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، زمینه‌های مشترک عقیدتی و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر مصلحان جهان اسلام به مخاطب عمومی و علاقه‌مندان به تاریخ معاصر اسلامی ارائه می‌دهد.

وحدت اسلامی، چستی وموانع محمدعلی تسخیری نشر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

آیت‌الله‌تسخیری از چهره‌های کلیدی گفت‌وگوهای میان مذهبی در جهان معاصر بود. این کتاب با بیانی روان و ساختاری منظم، ابتدا مفهوم دقیق و اصولی «وحدت» را تبیین کرده و توضیح می‌دهد که تقریب به معنای دست‌کشیدن از عقاید نیست، بلکه تمرکز بر مشترکات کلان امت اسلام در برابر چالش‌های بیرونی است. کتاب همچنین به بررسی موانع فرهنگی، تعصبات مذهبی، قرائت‌های تکفیری و راه‌های برون‌رفت از تنش‌های فرقه‌ای می‌پردازد و برای مخاطبانی که می‌خواهند تصویری کاربردی و معاصر از گفتمان وحدت داشته باشند، بسیار مناسب است.

الفقه المقارن (بررسی تطبیقی احکام فقهی میان مذاهب اسلامی) محمدجواد مغنیه بوستان کتاب قم
این اثر یک شاهکار تخصصی در حوزه فقه تطبیقی و گفت‌وگوی علمی میان مذاهب اسلامی (امامیه، حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) است. علامه مغنیه با نگاهی اجتهادی، دقیق و به دور از تعصبات مذهبی، آرای فقهی هر پنج مذهب را در ابواب مختلف عبادات و معاملات در کنار هم قرار داده و مبانی استدلالی هر یک را بررسی کرده است. این کتاب نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از اختلافات فقهی، ماهیت علمی و روش‌شناختی دارد و وجود تفاوت دیدگاه در مسائل فرعی نشانه پویایی اجتهاد اسلامی است. این اثر برای پژوهشگران، طلاب و دانشجویان علوم اسلامی و حقوق بسیار کاربردی و مرجع است.

هشدار سازمان سینمایی درباره حذف پروانه ساخت؛ تبعات گسترش تولیدات خارج از سازوکار رسمی

سینمای زیرزمینی؛ وقتی حذف نظارت، مسئله را حل نمی‌کند

موانع ورود به این مسیر را کاهش دهد. مسئله اما فراتر از یک مجوز‌داری است. توسعه سینمای زیرزمینی می‌تواند به شکل‌گیری مناسباتی موازی در تولید و عرضه آثار منجر شود؛ مناسباتی که در آن مسئولیت حقوقی، شفافیت مالی، حقوق عوامل و نسبت اثر با نظام رسمی با ابهام بیشتری مواجه خواهد شد. بنابراین بحث اصلی، یافتن مدلی است که هم تولید حرفه‌ای را تسهیل کند و هم امکان گسترش تولید بی‌ضابطه را کاهش دهد.



سعید مصباح
روزنامه‌نگار

بحث بر سر پروانه ساخت در سینمای ایران سال‌هاست میان سیاستگذار و بخشی از بدنه سینما ادامه دارد. منتقدان این سازوکار معتقدند فرآیند صدور مجوز، زمان‌بر و بعضاً سلیقه‌ای است و می‌تواند بخشی از ظرفیت تولید را با مانع مواجه کند. در مقابل، سیاستگذار بر این باور است که حذف کامل نظارت پیشینی الزاماً به معنای پایان تولید زیرزمینی نیست و حتی ممکن است مسیر آن را هموارتر کند.

محمد مهدی طباطبایی نژاد نیز دقیقاً بر همین نقطه دست گذاشته است. او با اشاره به دیدگاه مطرح‌شده از سوی برخی اعضای خانه سینما مبنی بر اینکه با حذف پروانه ساخت می‌توان فیلم‌های زیرزمینی را روی زمین آورد، تأکید کرده است که میان وجود پروانه ساخت و تصمیم یک فیلمساز برای تولید زیرزمینی، رابطه مستقیمی وجود ندارد. به بیان دیگر، کسی که قصد عبور از ساختار رسمی را دارد، لزوماً با حذف یک مجوز به ساختار رسمی بازمی‌گردد.

این نکته اهمیت زیادی دارد؛ زیرا فیلم زیرزمینی صرفاً فیلمی نیست که پروانه ساخت ندارد. فیلم زیرزمینی، محصول تصمیم آگاهانه برای فعالیت خارج از چارچوب‌های قانونی و نظارتی است. بنابراین حتی اگر پروانه ساخت حذف شود، امکان تولید آثاری که عامدانه برای دور زدن سایر مقررات ساخته می‌شوند همچنان وجود خواهد داشت. نکته‌ای که معاون سازمان سینمایی بر آن تأکید دارد، دقیقاً همین جاست: با حذف پروانه ساخت، یکی از موانع رسمی و قابل شناسایی در برابر چنین تولیداتی نیز برداشته می‌شود و همین مسئله می‌تواند هزینه و پیچیدگی تولید خارج از چارچوب را کاهش دهد. بنابراین موافقان حذف پروانه ساخت باید به یک سؤال مشخص پاسخ دهند؛ اگر این مجوز برداشته شود، چه سازوکاری جای آن را می‌گیرد تا تولید حرفه‌ای و قانونی از تولیدی که عامدانه برای دور زدن مقررات شکل گرفته، تفکیک شود؟

البته این پرسش به معنای دفاع از بوروکراسی موجود نیست. اگر پروانه ساخت به فرآیندی فرسایشی، سلیقه‌ای و غیرقابل پیش‌بینی تبدیل شده باشد، اصلاح آن کاملاً ضروری است. سینما نمی‌تواند برای هر تصمیم تولیدی ماه‌ها در انتظار مجوز بماند و نمی‌توان به بهانه نظارت، مسیر خلاقیت و سرمایه‌گذاری را

یادداشت

اصغر فرهادی به سینمای زیرزمینی خط می‌دهد!

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

اصغر فرهادی تأیید کرده است که مشغول نوشتن فیلمنامه جدید خود است و این‌اثر پس از چند تجربه بین‌المللی بازگشتی به زبان مادری‌اش خواهد بود. او پیش‌بینی می‌کند فیلمنامه را طی یک سال آینده به پایان برساند اما هنوز جزئیات داستان و محل فیلمبرداری مشخص نیست و تأکید کرده این پروژه در ایران یا فرانسه ساخته نخواهد شد.

فرهادی که اوایل امسال به ایران بازگشته و اکنون به‌طور تمام‌وقت در اینجا زندگی می‌کند گفته با وجود علاقه‌اش به ساخت فیلم در فرهنگ و زبان خود شرایط فعلی را برای فیلمبرداری در ایران مناسب نمی‌داند. او هم‌زمان گزینه ساخت یک فیلم انگلیسی‌زبان در بریتانیا را نیز بررسی می‌کند، اما سوای موارد فوق باید گفت که این رویه نیازمند نقدی جدی است؛ ساخت یک فیلم با زبان و دغدغه‌های ایرانی در خارج از مرزها تناقض بزرگی است که متأسفانه جنبه دیگری از سینمای زیرزمینی را هویدا می‌کند.

تفاوت این سینمای زیرزمینی جدید با نمونه‌های تاریخی‌اش در این است که به جای تحمل سختی‌ها و مبارزه با محدودیت‌ها - که فیلمسازانی از سنخ فرهادی ادعای مبارزه با آن را دارند- در دل جامعه از موضع امنیت و رفاه خارجی به تولید محتوای بومی می‌پردازد. این رویکرد به شدت به ضرر جریان رسمی سینما در داخل کشور تمام می‌شود زیرا تمرکز بخشی از ظرفیت سینمای رسمی، مخاطب جشنواره‌ای و سرمایه‌گذاران را از اکوسیستم آسیب‌دیده به اصطلاح مستقل داخلی دور کرده و به حاشیه می‌راند.

از سوی دیگر باید پذیرفت که دوران طلایی این کارگردان به پایان رسیده و کارش تمام شده است. فرمول‌های تکراری او دیگر در بازار جهانی کشش سابق را ندارد و مخاطب بین‌المللی از او عبور کرده است. کافی است به سرنوشت اثر آخرش یعنی قصه‌های موازی نگاه کنیم. این فیلم که با بودجه‌ای حدود هشت میلیون دلار و با حمایت نهادهای اروپایی ساخته شد در گیشه جهانی با شکستی سنگین و پیش‌بینی‌نشده روبرو شد و فروش آن به سختی از یک میلیون و دویست هزار دلار فراتر رفت.

این فاش بودن اختلاف بودجه و میزان فروش نشان می‌دهد که مخاطب اروپایی و آمریکایی نیز از تماشای درام‌های اجتماعی تکراری و کلیشه‌ای او خسته شده است. وقتی یک فیلمساز به جای پذیرش چالش‌های ساخت فیلم در ایران به دنبال لوکیشن‌های جایگزین می‌گردد و هم‌زمان فیلم آخرش با افتضاح تجاری مواجه می‌شود دیگر نمی‌توان به آینده کاری او امیدوار بود. بازگشت به زبان مادری بدون حضور در بستر واقعی آن زبان تنها به تولید آثاری ایزوله و فاقد روح منجر می‌شود. فرهادی با این تصمیم مسیر خود را از سینمای جریان اصلی جدا کرده و عملاً پایان راه خویش را رقم زده است.



مارکوس دوسوزا، معروف به «کینیو»، کاریکاتوریست برجسته برزیلی، اخیراً دو اثر انتقادی جدید علیه دونالد ترامپ منتشر کرده است. اثر اول، سایه چهره ترامپ را بر نقشه قاره آمریکا نشان می‌دهد با این پیام هشداردهنده که «آمریکای لاتین تحت تهدید است». اثر دوم با عنوان

مشت کاری کارتونیست برزیلی بردهان ترامپ